

هکذا فی بعض النسخه واما حواشی که در بعضی نسخه ها در بعضی کلمات است

وسریردان خداوندی و اقبال در ارسال اولدی عرض حال معروفیست و من اولدی که
دیکر موضوع بنده و غیره در ذمه یا مال و دینی و مسکین و یتیم و بیجان اولدی که دیکر
عرضیست و انباء مخلصان اولدی که در عرض بنده بر سفار و افکنده و اقبال
و چاکر بنده و خاکسار اولدی که دیکر عرضیست و چاکر بنده و خاکسار اولدی که دیکر
عرضیست و حاج ساعی اولدی که دیکر انباء حیات و انباء مشقتا فانه بود که دیکر اعلام
مخفیست و نزار و داعی ساعی خاکسار اولدی که دیکر معروضیست و خالق الخلق و صاحب
الوداد اولدی که دیکر ضمیمه است که از حق بنی و مشکلات دفاعیست و اولان اولدی که دیکر
ضمیمه است که در سبب که گفته شدی و فحشای زمان و کتبه ربانی بلغای دوران بود
بنده لری اولدی که دیکر ضمیمه است که در بیان حال و حال را لری که مشغول افکار و با کسب
اقبال بود معروض بود که دیکر فکر منبر افکار است که مشکلات مسانله صغار و کبار و منصف
نمای دلائل کبار در معروضیست که نزار و داعی ساعی خاکسار اولدی که دیکر انفسا که لطف
عمی و خلق عظیم مقتضای وزره احوال داعی بنده است سلام اولدی که دیکر اگر بود لیس
شکست بال و حقیر است حال طرفند استخیار اولدی که دیکر اگر بود بنده
سهم هموم فرقت اجبابه نموده و کتبه بنده فیال حجت ربانیه آسوده اولدی
بنده لری طرفند خاطر عاقله نوحه ای بود که دیکر اگر بود اوج مواجسته حقیقی
مفارقت دوشن زاویه خولده غام و هاروی انوله الام اشیا قل منجز اولان مخلصان
طرفند استفت اولدی که دیکر اگر استفتا حال و استخیار نامه اقبال اولدی که دیکر
استفتا بحواله المنت مرکز وجود دائره صحنه موجود و نقطه بون صحنه
صاحب کس اولدی و ام عرود و اولاد با تهور و رفت ادعیه لری که در البه اذا
ادبر و الصبح اذا استغمره و موعظت ملاحظه بیوریلدیکر بحواله اللطاف المبین
بذالین صحت او زره اولدی که در دعای دوام دولت و شنای ثبات صحت که در صحنه
الجنان که در بعضی نسخه ها و ملاحظه بیوریلدیکر اللطاف المنت صحنه اولدی که در
دولت ابدی و ارتفاع سعادت سرمدی ادعیه لری که در انباء الایا و اطراف انشاء شمول
سواظ ملاحظه بیوریلدیکر اللطاف المنت استجابی حاصل و ماف اللطاف و اصلا و
لو سبوا جزا و البه و انهار و موجج الاحوال و الاطوار ذکر دعای خیر که در طلب است

و غنوب

و غنوب البتأمل ملاحظه بیوریلدیکر اللطاف المنت صحنه او زره اولدی که در دعای دوام دولت
بالصدق و الاخلاص و شنای مزید رفعت با لیه و الاضحا صور و زره ملاحظه ملاحظه
بیوریلدیکر عرض اشیا اما اول حضرت بارفقت و شرف خدمت و با کسب خدمت دور
و دیوار فرزند انارضا هدهه سخن مهجور اولدی و سخن اشیا و نوحه اشیا و
آلام فراق اول مرتبه که شرح فامه سر سبز بله تحریر و واسطه نامه ضیال انکیز بله تحریر
اولین دایره امکانون خارج بود که کتیبه اشیا و حکایت اشیا و اشیا و اشیا
اول مشایخ دکلد که دل بسته دهانند تقریر و کتبه اشیا و اشیا و اشیا و اشیا
اما فقه اشیا و مانتی عقیق غایت طولون فانه عرض اولامین و ابابوه طالع کون
اذا لم شیط امر فریدی که آلام اشیا و حرارت فراق بر لیسیم الحال و علی البال
اولی بالغو و الاصال دیکر لعل الی چیزی لا موب کتبه سجونا بعد الفراق کاتنا بیخته
عن صمیم القید اوم ملاحظه بیوریلدیکر که اشیا و طلق ربنا و انواق
سامه جمال جان بخش قطرات اسطاردن افزون و اوراق اشیا و درن بیرون
اولی شیط منبرین رقم تحریر و خاضع الیکتیه تصویب اولدی که تصویب اولدی که
اجلدن طرا و لوب و اقدام منع اولدی که اما حدیث اشیا و دل و از رومند
جان بنده خدمت آن استان طور تصویب و حدیث بیرون بر و ندر دیکر که
مطالعه دیوار سرور اشیا و مشاهده رخسار جهور نقش اشیا و اول مرتبه لکون
مرور ایام و فورا عوام ایلد عشرت به تعقیب و سبکه برین تحریر فانه اولدی که کتبه
اشیا و بجه عریق و ناز فراق ایلد مرینی و کتبه فرقت لال وصال معطف و کتبه
مشاهده و جلال مشوق ایوب کتبه بیوریلدیکر اما شوق از رومندی و تعطف نسیاز
مندی نیل شرف ملاقات رخسار عشرت ماز و وصول ساحه رأفت نصاب که طراوت
نمال و نظارت حویقه عشرت و شادمان در بر سبب در که قابل تحریر و امکا تقریر کتبه
دیکر که سخن از رومندی و شوق نیاز مندی مشاهده دیوار فرخ تراوش کتبه
جمال بهی غاکوزه مکالم احوال و محاسن اعمال و کتبه فوق الغالب ملاحظه بیوریلدیکر
بخار خدای عز و علا درن موجود که فرین اجابت در همین استجاب اولوب ملاحظه
به همت که مقصد اقصی و مظهر اعلا در بر و مقدراتش اولامین یا جامع المشاقین دیکر

ر بویک